

اتاق در مسیر تحولات جهانی

پدر ام سلطانی

یادداشت روز

با نگاه به تاریخچه تشکیل اتاق‌های بازرگانی در جهان درمی‌یابیم که سه نیاز عمده باعث شده است که این اتاق‌ها شکل بگیرند. این سه نیاز عبارتند از:

۱- نیاز به هماهنگی بین خود تجار و بازرگانان
۲- نیاز به ارتباط منسجم با دولت و دیگر قوا و مراجع رسمی کشور

۳- نیاز به روابط تجاری و اقتصادی متشکل با دیگر کشورها (که البته این نیاز پس از دو نیاز فوق شکل گرفت)

در نتیجه تا پیش از قرن بیستم به جهت وجود دولت‌های مستبد و مقتدر از یکسو و بافت سنتی و تحول نیافته تجارت از سوی دیگر عموماً کسانی به عنوان نمایندگان تجار به اتاق بازرگانی راه پیدا می‌کردند که اولاً دارای احترام و مقبولیت بالایی در بین تجار بودند ثانیاً امکان راه یافتن به مراجع دولت و قدرت را داشتند با آغاز شدن قرن بیستم جهان وارد عرصه جدیدی از صنعت، تجارت و سیاست شد از یکسو صنعت و تجارت به واسطه تحولات علمی به سرعت رو به رشد و گسترده‌گی نهادند و نتیجتاً علوم انسانی جدید مانند مدیریت، اقتصاد، حسابداری، بازاریابی و امثالهم به نیازهای روز جهت اداره واحدهای عظیم صنعتی و تولیدی بدل شدند

از سوی دیگر گسترش آگاهی‌ها و توقعات شهروندان حکومت‌ها را هر چه بیشتر به سوی دموکراتیک شدن و نزدیک شدن به مردم و نهادهای مردمی سوق می‌داد.

توقعات جهت روز آمد شدن اتاق اندک اندک بالا گرفت. اما مدیران اتاق بازرگانی که گویا ماموریت خود را در بالایش اتاق بازرگانی و اداره آن تمام نشده می‌دانستند به مدت یک دهه دیگر توجهی به این توقعات نکردند و با ارتباطات گسترده خود (که طی این مدت بسیار گسترده‌تر نیز شده بود) توانستند کماکان سکان هدایت اتاق را در ید خود داشته باشند.

دوره پنجم اتاق‌های بازرگانی که انتخاباتش در اسفند ماه ۱۳۸۱ برگزار شد در واقع اولین دوره‌ای بود که نسل جدید مدیران تحصیلکرده و تکنوکرات مجدداً توانستند به هیات نمایندگان اتاق‌ها خصوصاً اتاق تهران راه یابند و مدیریت اتاق بازرگانی تهران را بعد از ۲۴ سال تغییر دهند. اما جناح سنتی اتاق با تکیه به اقتدار و ارتباطات بسیار گسترده‌تر خود از یکسو و تجربه و توانی که در تاثیرگذاری بر آرای نمایندگان شهرستان‌ها و تشکلهای داشتند از سوی دیگر توانست اتاق بازرگانی ایران را کماکان در اختیار خود نگه دارد. مدیران نسل جدید که اکنون اتاق تهران را در دست داشتند تمام توان خود را مصروف احیای دوباره این اتاق کردند.

در این دوره بعد از ۲۴ سال اتاق بازرگانی تهران توانست استقلال دوباره خود را بدست آورد و با استقرار در ساختمان دیگری از سایه اتاق ایران خارج شود. تعداد اعضای اتاق تهران که در مدت ۲۴ سال قبل به کمتر از ۹ هزار نفر رسیده بود در مدتی کمتر از ۳ سال به بیست هزار نفر بالغ شد. اما جناح سنتی که از خارج شدن اتاق تهران از سیطره خود بسیار ناراضی بود از همان ابتدا روی خوش به مدیران جدید اتاق تهران نشان نداد تا اینکه با روی کار آمدن دولت نهم فرصتی پدید آمد که جناح سنتی بتواند با استفاده از ۲۰ نماینده دولت در اتاق تهران (وجود ۲۰ نماینده دولت در ترکیب ۶۰ نفره اتاق بازرگانی تهران پس از انقلاب بوجود آمد و در واقع نقطه ضعفی در استقلال و ماهیت وجودی این اتاق در مقایسه با تمام اتاق‌های دیگر ایران و جهان می‌باشد) شرایط تشدید فشار بر مدیریت تحولگرای وقت اتاق تهران را فراهم سازد و با کنار زدن آنها افراد مورد اعتماد خود (و دولت) را بر سر کار آورد.

ادامه در صفحه ۱۹

این تحولات گسترده افق‌های کاری جدیدی را نیز پیش روی اتاق‌های بازرگانی گشوده بود و طبیعتاً افزایش توقعات بازرگانان و صنعتگران نیاز به تغییر در ساختار اتاق‌ها را ضروری ساخته بود. تجار و صنعتگران به نمایندگانی نیاز داشتند که با مفاهیم روز آشنا باشند و قابلیت سوق دادن اتاق بازرگانی را به آن جهت و حفظ آهنگ رشد اتاق همگام با تحولات روز را داشته باشند. به همین جهت نسل جدیدی از مدیران تحصیلکرده و روشنفکر رفته رفته مقبولیت بیشتری در بین بازرگانان و صنعتگران می‌یافتند و جایگزین ملک‌التجار و شیخ‌التجار می‌شدند.

دولت‌ها نیز که اکنون بیشتر خود را قائل به اصول دموکراتیک می‌دانستند (یا لاقلاً اینگونه وانمود می‌کردند) ارتباط خود را با نمایندگان اتاق بازرگانی بیشتر و دوسویه‌تر می‌کردند. این سیر تاریخی تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی باعث شد که اتاق‌های بازرگانی اهمیتی روز افزون بیابند و در نتیجه خود را موظف به گسترده‌تر کردن و کارشناسانه‌تر کردن فعالیت‌هایشان و افزایش خدمات خود به اعضای‌شان کنند. سابقه ۸۰ ساله اتاق بازرگانی در ایران نیز کموبیش همین سیر تاریخی را در ۵۰ سال اول حیات خود یعنی تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی طی کرد و در سال‌های ۴۵-۵۷ تغییر تدریجی بافت نمایندگان و هیات رئیسه اتاق بازرگانی از تجار سنتی به مدیران و اقتصاددانان تحصیلکرده و تکنوکرات کاملاً آشکار بود. با پیروزی انقلاب و فرار بسیاری از این مدیران به دلایل مختلف ناگهان عرصه مدیریت در اتاق بازرگانی خالی شد و مجدداً جمعی از تجار سنتی و بازاریان مامور اداره اتاق بازرگانی شدند. پس از گذشتن سال‌های اولیه انقلاب و دوران جنگ تحمیلی به تدریج توجه مدیران اقتصادی و بازرگانان کشور به اتاق‌های بازرگانی جلب شد و

اتاق در مسیر تحولات جهانی

به آرای اعضای اتاق ترجیح دهند و تمام آرای خود را به نفع جناح سنتی و نمایندگان مورد نظر خود به گلدان بریزند. دولت بدین گونه توانست دو چهره سیاسی و دولتی را نیز در قالب پنج عضو هیات رئیسه اتاق تهران جای دهد.

به نظر می‌رسد که تمایل دولت به حفظ اقتدار خود در اتاق بازرگانی - بر خلاف روند معمول در دنیا - شانس تحول در اتاق را کمتر می‌کند و آن را به تاخیر خواهد انداخت. البته با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در این دوره در نمایندگان اتاق‌های شهرستان‌های دیگر بوجود آمده است شانس ایجاد تغییرات در اتاق بازرگانی ایران را - که بزودی شاهد برگزاری انتخابات هیات رئیسه آن خواهیم بود - بسیار بیشتر از دوره قبل کرده است. بدین جهت انتظار می‌رود که با افزایش توقعات و آگاهی‌های نمایندگان شهرستان‌ها در این دوره ایشان دیگر تمایلی به حفظ ترکیب فعلی هیات رئیسه اتاق ایران از خود نشان ندهند چراکه توسعه و تحول در اتاق‌های شهرستان‌ها نیز تا حد زیادی به تحول در اتاق ایران گره خورده است.

ادامه از صفحه ۱۸
اما پس از گذشت یکسال و اندی مجدداً انتخابات اتاق‌های بازرگانی فرارسید و فرصتی دوباره برای مدیران تکنوکرات و تحول‌خواه برای ادامه اقدامات عقیم شده خود بود. اما در این دوره جناح حاکم بر اتاق ایران بسیار هوشیارتر از دوره پیش بود و لذا با استفاده از اهرم‌هایی که قانون ناقص اتاق به ایشان اعطا کرده بود تلاش فراوانی را در از میدان به در کردن رقیب کرد. این تلاش‌ها گرچه توانست تاحدی در کاهش نتیجه مورد نظر تحول‌خواهان از این انتخابات کارگر بیفتد اما خواسته اعضای اتاق این بود که در اتاق تحول ایجاد شود و به همین دلیل هم تحول‌خواهان توانستند با رقم زدن یک انتخابات پر شور و بی نظیر و با کسب ۲۳ کرسی از ۴۰ کرسی اتاق تهران مجدداً اکثریت کرسی‌های انتخابی اتاق را از آن خود کنند.

اما به نظر می‌رسد علاوه بر جناح سنتی‌ها که اکنون در اقلیت قرار گرفته بودند دولت نیز از این نتیجه زیاد راضی نبود. این عدم رضایت نتیجتاً باعث شد که لیبرهای نمایندگان دولت، ائتلاف با جناح سنتی را به گردن نهادن